

عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های کاری از استان آذربایجان شرقی به استان تهران^۱

علی قاسمی اردهائی⁺

شهلا کاظمی پور^{*}

ترک محل اقامت به خاطر دستیابی به شغل و یا شغل بهتر در مکان جغرافیایی و اجتماعی دیگر، مهمترین علل جابجایی جمعیت‌های انسانی در زمان حاضر است. به‌ویژه اینکه این نوع مهاجرت‌ها اکثراً با اراده و تصمیم‌گیری مستقل فرد مهاجر صورت می‌گیرد. در ایران نیز مهاجرت‌های کاری مهم بوده و در بیشتر جریان‌های مهاجرت بین استانی و بین شهرستانی مؤثر هستند. هدف این مقاله شناخت وضعیت جمعیتی مهاجران نیروی کار از استان آذربایجان شرقی به استان تهران و نیز بررسی عوامل مؤثر بر این مهاجرت‌ها می‌باشد. با تحلیل ثانویه داده‌های نمونه‌ای ۲۰ درصد سرشماری ۱۳۸۵، تعداد ۲۴۷۰۰ مهاجر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تحلیل مهاجرت‌های کاری برای مهاجران سرپرست خانوار که اکثر آنان مرد هستند و در مشاغل صنعت‌گری، رانندگی و کار خدماتی مشغولند، انجام گرفته است. مطالعه احتمال وقوع مهاجرت‌های کاری نشان می‌دهد، متغیرهای جمعیتی جنس و سطح تحصیلات در کنار متغیرهای شهرستان مقصد، شهرستان مبدأ و سطح توسعه مبدأ، در وقوع مهاجرت‌های کاری از استان آذربایجان شرقی به استان تهران مؤثرند.

واژگان کلیدی: مهاجرت کاری، مهاجرت بین استانی آذربایجان شرقی - تهران، مهاجرت سرپرست خانوار، علل مهاجرت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری جمعیت‌شناسی، با عنوان "شبکه‌های اجتماعی و جابجایی جمعیت: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران" می‌باشد که با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است.

✦ دکتری جمعیت‌شناسی، استادیار دانشگاه پیام نور.

ardahae@ut.ac.ir

★ دکتری جامعه‌شناسی، دانشیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

skazemipour@gmail.com

طرح مسأله

استان تهران به دلیل دربرگرفتن پایتخت ایران، طی دهه‌های اخیر در نتیجه مهاجرت تحولات جمعیتی چشمگیری داشته است. همانند شهر تهران، در بسیاری از شهرهای دیگر استان تهران مهاجرت نقش مهمی در افزایش جمعیت‌شان داشته است. برای نمونه، شهر اسلام‌شهر که تا سرشماری ۱۳۵۵ جمعیت آن زیر هزار نفر بود در سرشماری ۱۳۵۵ به ۵۲ هزار نفر رسیده و در سرشماری ۱۳۸۵ به رقم چشمگیر ۳۵۷ هزار افزایش یافته است. طی سرشماری‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵ بالای ۲۵ درصد از جمعیت شهرستان‌های استان تهران را مهاجران بین شهرستانی تشکیل می‌دهند. باید توجه داشت «مهاجرت صرفاً تغییری مکانی یا معیشتی نیست، بلکه دامنه این تغییر در پیامدهای متعددی که به همراه دارد، تأثیرات عمیق‌تری را در محتوای زندگی مهاجران به جای می‌گذارد.» (فخاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۱). به رغم اینکه استان تهران به عنوان توسعه یافته‌ترین استان کشور مطرح است (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵)، شهروندان ساکن استان با تنگناهای گوناگونی رو به رو هستند. در نقاط حاشیه‌ای، سطح سواد پایین است، در حالی که بُعد خانوار، ضریب جوانی جمعیت و بار تکفل شغلی بالاتر از متوسط استان است. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد عمده این مشکلات ناشی از مهاجرت شدید به استان است (محمدی کرکانکی، ۱۳۷۶). از نظر پوتنام^۱ (۲۰۰۰) پراکندگی و حومه نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی و از بین رفتن همبستگی درونی اجتماع شده و انگیزه برای مشارکت مدنی را کاهش می‌دهد.

برخلاف استان تهران، استان آذربایجان شرقی طی دهه‌های گذشته همواره استان مهاجرفرستی بوده است. بر اساس مستندات سرشماری‌های ۱۳۳۵ الی ۱۳۸۵، استان آذربایجان شرقی مهمترین منطقه مهاجرفرست کشور ایران است. در اسناد تاریخی، علل این مهاجرت ریشه در ناامنی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نیز شرایط بد اقلیمی دارد. در گزارشی به سال ۱۳۲۸ شمسی آورده شده است: «... در پاییز گذشته انبارهای غله آذربایجان خالی شده و ذخیره این استان بزرگ به طرق مختلفه از مرزها خارج گردید و دولت‌ها نیز نتوانستند آن‌طوری که لازم بود، از خروج غله آذربایجان جلوگیری نمایند و یا اساساً نخواستند. زمستان بسیار سرد و برف خارق‌العاده، اوضاع کشاورزی این منطقه را دگرگون‌تر کرده، مالکین عمده مساعده ندادند و بانک کشاورزی نیز کمک نکرد. اینک در تمام نقاط آذربایجان چهار پنجم دهقانان از هستی ساقط شده و مردم رو به شهر آورده‌اند. کاروانسراهای شهر تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان اکنون پر از زارع و دهاتی است. ... امروز بیش از یک ثلث سکنه این استان در تهران و شهرهای دیگر مرکزی و جنوب به سر می‌برند. ...» (مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۲۴ - ۲۳). در همان تاریخ نیز وزارت جنگ برای نخست وزیر وقت

1. Putnam

گزارشی در خصوص مهاجرت اهالی آذربایجان در اثر فقر و بیکاری تنظیم کرده است، «... فشار زندگی در منطقه مذکور [آذربایجان] طوری است که اهالی به‌طور دسته‌جمعی و خانواری برای به‌دست آوردن لقمه نانی از شهری به شهر دیگر مهاجرت می‌کنند. اهالی عموماً معتقدند که هرگاه از طرف دولت نسبت به وضع کار این استان توجهی نشود، مردم بر اثر فشار زندگی به نقاط دیگر مهاجرت کرده و طولی نخواهد کشید که منطقه آذربایجان از سکنه خالی خواهد ماند» (همان: ۲۷). مسی^۱ (۱۹۹۰) معتقد است مهاجرت وسیع اعضای مولد خانواده‌ها، منجر به کشاورزی غیرمتمرکز و در نتیجه شکست سازمان کشاورزی می‌شود. همچنین، خانواده‌های مهاجر به احتمال زیاد زمین‌هایشان را در آیش نگه خواهند داشت. از جانب دیگر، وجوه ارسالی مهاجران بیشتر در محدود کردن نیروی کار کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌گردد. مجموعه این عوامل، فروپاشی ارضی و در نتیجه آن مهاجرت بیشتر را موجب خواهد شد.

جدول ۱. درصد مهاجران بین استانی وارد شده و خارج شده و تعداد خالص مهاجرت در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۵۵

ردیف	درصد مهاجران وارد شده	درصد مهاجران خارج شده	خالص مهاجرت طی دوره
۱	۱۳۷۵-۸۵ ۱۳۶۵-۷۵ ۱۳۵۵-۶۵	۱۳۷۵-۸۵ ۱۳۶۵-۷۵ ۱۳۵۵-۶۵	۱۳۷۵-۸۵ ۱۳۶۵-۷۵ ۱۳۵۵-۶۵
استان تهران	تهران ۳۹/۶	تهران ۲۸/۵	تهران ۴۷۵۹۹۶
	اصفهان ۸/۷	خوزستان ۹/۵	اصفهان ۷۱۰۷۳
	خراسان ۵/۰	اصفهان ۸/۱	خراسان ۶۱۳۴۹
استان آذربایجان	تهران ۳۰/۱	تهران ۱۶/۶	تهران ۱۷/۳
	اصفهان ۶/۳	خوزستان ۷/۴	اصفهان ۸۵۱۵۷
	خراسان ۱۴/۱	خوزستان ۵/۸	خراسان ۶۰۸۷۷
استان کردستان	ایلام ۰/۵۸	ایلام ۰/۷۸	ایلام ۱/۰۱
	چهارمحال و بختیاری ۰/۴۸	چهارمحال و بختیاری ۰/۶۷	چهارمحال و بختیاری ۰/۹۹
	کرمانشاه ۰/۶۴	کرمانشاه ۰/۷۶	کرمانشاه ۰/۸۴
تعداد			
۱۸۷۲۳۵۰ ۲۹۳۹۹۲۰ ۴۷۷۴۰۴۰ ۱۸۷۲۳۵۰ ۲۹۳۹۹۲۰ ۴۷۷۴۰۴۰			

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ الی ۱۳۸۵.

مطالعه روند مهاجرت بین استانی در سه دهه اخیر (جدول ۱) نشان می‌دهد، علاوه بر اینکه بیشترین مهاجران همواره به استان تهران وارد شده‌اند، استان آذربایجان شرقی نیز جزء سه استان اول بوده که بیشترین درصد مهاجران خارج شده را داشته است. در هر سه دوره ده‌ساله، استان تهران بیشترین خالص مهاجرت مثبت و استان آذربایجان شرقی بیشترین خالص

مهاجرت منفی را داشته‌اند. با توجه به مطالب آورده شده، در این مقاله مهاجرت‌های کاری از استان آذربایجان شرقی به استان تهران مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

رویکرد نظری

با در نظر گرفتن ماهیت و نوع جریان مهاجرت مورد مطالعه در این مقاله، جهت تبیین جابجایی مهاجران از استان آذربایجان شرقی به مقصد استان تهران، از مبانی نظریه‌های حوزه اقتصاد مهاجرت استفاده می‌شود. از مهمترین آنها می‌توان به نظریه‌ی اقتصاد نئوکلاسیک مهاجرت اشاره نمود که از طریق تبیین‌های سطح خرد، فرایند مهاجرت را در سطح فردی مورد بررسی قرار می‌دهد.

شاید بتوان قدیمی‌ترین و شناخته‌ترین نظریه مهاجرت را نظریه اقتصاد نئوکلاسیک مهاجرت مطرح کرد. بر پایه این نظریه، مردم برای به حداکثر رساندن درآمدشان از مناطق با دستمزد پایین به مناطق با دستمزد بالا (یا از مناطق فقیر به مناطق ثروتمند) مهاجرت می‌کنند. تفاوت دستمزد بین مناطق فرستنده و دریافت کننده مهاجر عامل مهم در شروع مهاجرت است. در این نظریه مهاجرت، استراتژی فردی برای به حداکثر رساندن سودمندی است. بنابراین، این نظریه در چارچوب اصل اقتصادی شناخته شده "عرضه و تقاضا"، جریان‌های مهاجرت را تبیین می‌کند. کادوالدر^۱ (۱۹۹۲) و جابز^۲ (۲۰۰۰) با توجه به این رویکرد نظری معتقدند جابجایی مردم به‌عنوان نتیجه‌ای از وزن گزینه‌های اقتصادی بین مکان‌هاست. افراد مکانی را انتخاب می‌کنند که شرایط زیست‌شان را بهبود بخشد. از صاحب‌نظران این حوزه می‌توان به ساستاد^۳ و تودارو^۴ اشاره نمود.

نظریه ساستاد به نظریه سرمایه انسانی^۵ معروف است. بعد از مطرح شدن نظریه ساستاد (۱۹۶۲)، بیشتر اقتصاددانان، مهاجرت را به‌عنوان یک تصمیم به سرمایه‌گذاری سرمایه انسانی در نظر گرفتند. «سرمایه انسانی یک عامل تعیین کننده در تصمیم‌گیری مهاجرت است که با توجه به احتمال پیدا کردن کار با یک سطح دستمزد مناسب در مقصد عمل می‌کند» (ساستاد، ۱۹۶۲: ۸۲). پس، در این چارچوب مهاجرت به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود که معانی چندی از آن استخراج می‌گردد:

الف) جوانان به دلیل اینکه دوره زندگی طولانی‌تری جهت جمع‌آوری سرمایه اولیه دارند، نسبت به سالخوردگان سود بیشتری را از مهاجرت بدست می‌آورند.

ب) هزینه‌های بیشتر جابجایی بین دو منطقه از تحرک ما بین آنها خواهد کاست.

1. Cadwallader
2. Jobs
3. Sjaastad
4. Todaro
5. Human Capital Theory

ج) باتوجه به سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی تحصیلات افراد، زمانی که شرایط اقتصادی در یک منطقه‌ای بدتر باشد، معمولاً افراد دارای تحصیلات بالاتر فرصت‌هایی را در بازار کار دورتر جستجو خواهند کرد.

د) سمت و سوی مهاجرت بر این است که اختلاف در دستمزد را حذف نماید.

ه) در مدل اقتصاد ثابت، پیش‌بینی می‌شود افراد یک مرتبه مهاجرت را تجربه خواهند کرد (پسینو^۱، ۱۹۹۱: ۵۸ - ۵۷).

تودارو (۱۹۶۹ و ۱۹۷۱) و هریس^۲ و تودارو (۱۹۷۰) با معرفی احتمال پیدا کردن شغل در بخش شهری و در بطن اقتصاد کشورهای جهان سوم، مدل سرمایه‌انسانی را گسترش دادند. در حقیقت آنها فرض کرده‌اند درآمد مورد انتظار به جای درآمد قطعی، نیروی تحریک کننده مردم جهت مهاجرت است. اینها معتقد هستند مهاجرین بالقوه به شرایط استخدام واقعی در مکان‌های دوردست آگاهی ندارند، ولی توزیع درآمد را در بین ساکنین مقصد احتمالی می‌دانند. فرض اصلی الگوی تودارو این است، هر مهاجر بالقوه، بر مبنای هدف پیشینه‌سازی "درآمد انتظاری" تصمیم می‌گیرد به شهر برود یا نه. در این تصمیم‌گیری دو عامل اقتصادی نقش محوری دارند: اولی به تفاوت واقعی موجود بین دستمزد در شهر و روستا مربوط است که به دلیل مهارت‌های متفاوت و دوره‌های آموزش کارگران به وجود آمده است. در واقع، وجود نابرابری زیاد بین دستمزدهای پرداخت شده به کارگران شهری، در مقایسه با دستمزدهای کارگران ماهر روستائی، به مثابه اصلی همیشگی در تصمیم به مهاجرت تشخیص داده شده است. دومین عنصر اصلی الگوی مزبور، و مهمترین قسمت آن که در سایر الگوهای مهاجرت از روستا به شهر نیست، میزان احتمال موفقیت یک مهاجر روستائی در به دست آوردن شغل شهری است. کلید فهم پدیده ظاهراً متناقض مهاجرت مداوم به مراکزی که بیکاری در آنها فراوان است، بررسی فراگرد مهاجرت با رهیافت "درآمد انتظاری" یا دائمی است، که در آن درآمد انتظاری هم به پرداخت دستمزد به کارگر شهری مربوط می‌شود و هم به احتمالی بستگی دارد که او در به دست آوردن اشتغال دستمزدی در هر دوره زمانی موفق می‌شود.

تودارو معتقد است انگیزه‌های اقتصادی مهاجرین از سایر انگیزه‌ها قوی‌تر است و در درجه اول ملاحظات اقتصادی (توزیع نابرابر سرمایه و نیروی کار و به تبع آن تفاوت در دستمزدها) است که فرد را به مهاجرت ترغیب می‌کند. وی بیان می‌دارد مهاجرت اساساً بر پایه محاسبه اقتصادی و عقلایی فرد مهاجر استوار است (مک‌کاتی^۳، ۲۰۰۴). به‌طور خلاصه باید چهار ویژگی اساسی مدل مهاجرت تودارو را به‌خاطر سپرد:

1. Pessino
2. Harris
3. McCatty

- مهاجرت مقدماً با ملاحظات معقول اقتصادی در مورد منافع و هزینه‌های مربوط که عمدتاً اقتصادی و همچنین روانی است برانگیخته می‌شود.
- تصمیم به مهاجرت بیشتر با توجه به تفاوت مزد مورد انتظار شهر و روستا صورت می‌گیرد تا تفاوت واقعی بین این دو. تفاوت مورد انتظار از طریق واکنش متقابل دو متغیر تعیین می‌شود که این دو متغیر عبارت خواهد بود از تفاوت واقعی مزد بین روستا و شهر و دیگری احتمال توفیق در به دست آوردن اشتغال در بخش نوین شهری.
- احتمال به دست آوردن یک شغل شهری با نرخ بیکاری شهری نسبت معکوس دارد.
- نه تنها ممکن است نرخ‌های مهاجرت، مازاد بر نرخ‌های رشد فرصت‌های اشتغال شهری وجود داشته باشد، این امر در صورت ادامه تفاوت مثبت درآمد مورد انتظار شهر و روستا، عقلانی و محتمل نیز هست (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۲). با وجود اصلاحات مهمی که در مدل اصلی تودارو به عمل آمده است، این واقعیت وجود دارد که سهم اصلی مدل در مطرح ساختن این اندیشه است که مهاجرت در ابتدا در پاسخ به تفاوت‌های درآمدی "مورد انتظار" شهری و روستایی صورت می‌گیرد و اینکه نرخهای شتاب گیرنده مهاجرت داخلی در چارچوب بیکاری فزاینده شهری در کشورهای در حال توسعه نه تنها پدیده‌ای قابل توجیه بلکه از دیدگاه به حداکثر رسانیدن درآمد مورد انتظار شخص مهاجر، کاملاً منطقی است (همان: ۵۴). در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک بحث می‌شود افراد جهت به حداکثر رساندن سودمندی فردی‌شان (مخصوصاً برای به حداکثر رساندن درآمد مورد انتظار) تصمیمات عقلانی می‌گیرند. در این چارچوب افراد به عنوان کنش‌گران معقول در نظر گرفته می‌شوند که بر اساس ارزیابی‌های هزینه-فایده تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

روش تحقیق

روش تحقیق، تحلیل ثانویه داده‌های نمونه‌ای ۲۰ درصد سرشماری ۱۳۸۵ است. این داده‌ها از طریق پرسش‌نامه فرم شماره ۳ (فرم بلند) سرشماری ۱۳۸۵ به دست آمده است. در این پرسش‌نامه برخی از اطلاعات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی افراد واقع در خانوارهای معمولی ساکن و خانوارهای گروهی موجود است. مجموع کسانی که در فاصله زمانی سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ شهر یا آبادی محل سکونت خود از استان آذربایجان شرقی را به مقصد استان تهران تغییر داده‌اند (۱۳۶۲۶۵ نفر)، جامعه آماری را شکل می‌دهند. در فایل نمونه‌گیری سرشماری ۱۳۸۵، تعداد مهاجر وارد شده از استان آذربایجان شرقی به استان تهران در بین سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ که قابل تحلیل باشد (نمونه آماری) ۲۴۷۰۰ نفر است.

باید یادآور شد داده‌های خام ۲۰ درصد با مشکلات و اشتباهاتی همراه بوده است. در بیشتر موارد، تعداد کدهای موجود بیشتر از کدهای مشخص شده در پرسشنامه است. در ثبت کدهای محل اقامت قبلی مهاجران نیز اشتباهاتی وجود دارد. بنابراین، تا آنجا که امکان داشت کدهای

نامرتبط و غیرمنطقی از فایل داده‌ها حذف گردیده و تجزیه و تحلیل براساس داده‌های تصحیح شده صورت گرفته است.

سیمای جامعه آماری

استان تهران در سرشماری ۱۳۹۰ با تعداد جمعیت ۱۲۱۸۳ هزار نفر نزدیک به یک ششم جمعیت کشور را در خود جای داده است. تغییرات و تحولات چشمگیر جمعیتی این استان موجب گردیده است طی سرشماری‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰ تحولات عمده‌ای در مرزهای سیاسی این استان انجام گیرد. در سال ۱۳۸۹ استان البرز با محدوده شهرستان‌های کرج، ساوجبلاغ، نظرآباد و طالقان (که طبق سرشماری ۱۳۹۰ جمعیت ۲۴۱۲ هزار نفری دارد) از استان تهران جدا شد. همچنین در این مدت شهرستان‌های بوستان (با جمعیت ۵۲۴ هزار نفر) از رباط کریم، پیشوا (با جمعیت ۷۵ هزار نفر) از ورامین، قدس (با جمعیت ۲۹۱ هزار نفر) و ملارد (با جمعیت ۳۷۴ هزار نفر) از شهریار جدا شدند و به ده شهرستان قبلی استان تهران در سرشماری ۱۳۸۵ (اسلامشهر، پاکدشت، تهران، دماوند، ری، رباط کریم، شمیرانات، شهریار، فیروزکوه و ورامین) اضافه شدند.

استان آذربایجان شرقی با سهم پنج درصدی از جمعیت کشور (۳۷۲۴ هزار نفر) در سرشماری ۱۳۹۰ یکی از استان‌های پرجمعیت کشور و مهم‌ترین مرکز جمعیتی شمال غرب کشور است. شهرستان‌های آذرشهر، اسکو، اهر، بستان‌آباد، بناب، تبریز، جلفا، چارواپماق، خداآفرین، سراب، شبستر، عجب‌شیر، کلیبر، مراغه، مرند، ملکان، میانه، هریس، هشتروند و ورزقان بیست شهرستان استان آذربایجان شرقی در سرشماری ۱۳۹۰ هستند که شهرستان خداآفرین در بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ از شهرستان کلیبر جدا شده و به جمع شهرستان‌های استان اضافه شده است.

وضعیت مهاجرت بین شهرستانی از استان آذربایجان شرقی به استان تهران در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵

در دوره ۸۵-۱۳۷۵ اکثر شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی مهاجرفرست بوده و تعداد محدودی مهاجرپذیر بودند. شهرستان‌های هشتروند، سراب و میانه بیشترین میزان خالص مهاجرت منفی و اسکو و عجب‌شیر بیشترین میزان خالص مهاجرت مثبت را دارند. طی دوره مذکور، به غیر از شهرستان تهران^۱، بقیه شهرستان‌های استان تهران خالص مهاجرت مثبت

۱. البته این خالص مهاجرت منفی برای شهرستان تهران در دوره ۷۵-۱۳۶۵ نیز به دست آمده است. زنجانی (۱۳۸۰) خالص مهاجرت شهرستان تهران را برای دهه مذکور ۴۶۱- هزار بدست آورده است که نشان از مهاجرت جمعیت سرریز شهرستان تهران به سمت شهرستان‌های شهریار، ورامین، کرج و اسلامشهر بوده است که این امر برای دوره ۸۵-۱۳۷۵ نیز در جدول ۳ به خوبی خود را نشان می‌دهد.

دارند که شهرستان‌های شهریار، رباط‌کریم و پاکدشت از بیشترین میزان خالص مهاجرت برخوردارند.

جدول ۲. وضعیت مهاجرت بین شهرستانی استان آذربایجان شرقی در دوره ۸۵-۱۳۷۵

شهرستان	مهاجرت‌های بین شهرستانی			جمعیت میانه ۸۵-۱۳۷۵	میزان خالص مهاجرت دوره (در ۱۰۰۰)	وارد شده‌ها به استان تهران کل	نمونه
	خارج شده	وارد شده	خالص				
آذرشهر	۶۱۱۵	۷۲۵۵	۱۱۴۰	۹۶۸۴۵	۱۲	۸۱۰	۲۵۵
اسکو	۳۷۲۴	۱۷۴۸۵	۱۳۷۶۱	۸۱۵۹۴	۱۶۹	۲۱۶	*
اهر	۲۴۱۱۶	۴۹۷۸	-۱۹۱۳۸	۱۵۱۲۸۷	-۱۲۷	۴۰۹۲	۹۰۶
بستان‌آباد	۱۰۶۶۲	۴۹۶۸	-۵۶۹۳	۱۰۳۰۳۳	-۵۵	۳۰۳۸	۷۱۰
بناب	۸۵۵۲	۱۲۸۱۳	۴۲۶۱	۱۲۰۱۴۸	۳۵	۶۱۵	*
تبریز	۱۵۸۹۳۹	۱۳۳۵۵۸	-۲۵۳۸۲	۱۴۵۰۷۴۰	-۱۷	۴۷۴۷۲	۸۵۶۶
جلفا	۷۷۷۱	۶۲۱۳	-۱۵۵۸	۵۴۱۸۳	-۲۹	۱۴۶۵	۴۰۶
چاراویماق	۵۶۸	۲۲۶۱	۱۶۹۳	۳۳۵۸۴	۵۰	۱۶۴	*
سراب	۳۲۲۶۰	۱۰۰۰۸	-۲۲۲۵۲	۱۴۱۵۰۲	-۱۵۷	۱۹۴۸۳	۴۰۲۳
شبستر	۱۱۷۷۲	۱۱۰۱۸	-۷۵۴	۱۲۳۵۹۲	-۶	۴۱۲۳	۲۸۹
عجب‌شیر	۱۱۹۴۱	۲۱۹۲۷	۹۹۸۶	۸۱۱۴۸	۱۲۳	۱۱۲۶	۳۰۲
کلیبر	۱۱۳۹۸	۴۴۹۰	-۶۹۰۸	۹۱۱۵۲	-۷۶	۵۰۹۴	۶۵۰
مراغه	۳۵۳۵۹	۲۱۱۲۶	-۱۴۲۳۳	۲۱۸۳۴۵	-۶۵	۷۰۵۲	۱۵۰۴
مرند	۲۳۲۰۲	۱۴۷۹۶	-۸۴۰۵	۲۲۸۶۲۵	-۳۷	۴۰۵۴	۵۳۹
ملکان	۶۷۷۰	۴۳۱۰	-۲۴۶۰	۹۸۲۱۹	-۲۵	۲۸۴	*
میانه	۴۱۳۱۹	۱۱۳۶۱	-۲۹۹۵۸	۱۹۹۹۱۳	-۱۵۰	۲۱۱۲۶	۴۱۱۰
ورزقان	۴۸۴۰	۳۳۳۱	-۱۵۰۹	۴۶۹۱۹	-۳۲	۱۸۸	*
هریس	۸۶۲۰	۶۰۵۲	-۲۵۶۹	۷۲۷۰۱	-۳۵	۱۳۷۶	*
هشت‌رود	۳۳۸۱۲	۳۶۱۵	-۳۰۱۹۷	۷۰۹۵۴	-۴۲۶	۱۴۴۸۷	۲۴۴۰
جمع	-	-	-	-	-	۱۳۶۲۶۵	۲۴۷۰۰

* به دلیل کمی فراوانی از نمونه آماری حذف شده‌اند.

منبع: پردازش براساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.

جدول ۳. وضعیت مهاجرت بین شهرستانی استان تهران در دوره ۸۵-۱۳۷۵

شهرستان	مهاجرت‌های بین شهرستانی			جمعیت میانه ۸۵-۱۳۷۵	میزان خالص مهاجرت دوره (در ۱۰۰۰)	وارد شده‌های خارج از استان	مهاجران از آذربایجان شرقی کل	نمونه
	خارج شده	وارد شده	خالص					
اسلامشهر	۴۹۶۸۳	۱۱۲۲۷۹	۶۲۵۹۶	۴۰۷۱۱۲	۱۵۴	۴۹۱۳۱	۷۰۰۲	۱۱۴۶
پاکدشت	۹۳۴۶	۹۰۳۴۹	۸۱۰۰۳	۲۱۰۴۲۱	۳۸۵	۴۷۰۹۶	۳۶۷۱	۶۲۲
تهران	۱۲۲۳۴۴۱	۸۶۲۹۸۴	-۳۶۰۴۵۷	۶۹۷۰۵۲۵	-۵۲	۸۲۹۰۹۸	۵۵۸۳۵	۹۱۳۰
دماوند	۹۲۱۰	۲۲۳۵۶	۱۳۱۴۶	۸۷۵۵۱	۱۵۰	۱۲۷۱۲	۷۸	*
ری	۱۹۲۹۳	۵۳۰۴۵	۳۳۷۵۲	۳۶۱۹۳۱	۹۳	۴۱۷۳۷	۴۱۲۸	۷۴۰
رباط‌کریم	۲۳۶۵۹	۲۱۶۲۰۹	۱۹۲۵۵۰	۴۸۲۲۰۶	۳۹۹	۱۲۳۰۳۰	۳۰۶۷۳	۵۶۳۱
شمیرانات	۲۱۴۹	۶۷۷۰	۴۶۲۱	۳۹۱۹۸	۱۱۸	۴۴۶۴	۱۳۸	*
شهریار	۳۶۹۸۹	۳۹۰۷۴۱	۳۵۳۷۵۲	۷۸۹۲۷۱	۴۴۸	۲۲۶۹۶۳	۲۶۲۴۳	۵۴۷۲
فیروزکوه	۴۴۳۲	۵۱۳۶	۷۰۴	۳۱۲۰۸	۲۳	۳۰۱۰	۵۸	*
ورامین	۴۰۵۶۲	۱۰۸۵۶۵	۶۸۰۰۳	۴۲۷۸۰۱	۱۵۹	۶۴۶۴۰	۸۴۳۹	۱۹۵۹
جمع	-	-	-	-	-	-	۱۳۶۲۶۵	۲۴۷۰۰

* به دلیل کمی فراوانی از نمونه آماری حذف شده‌اند.

منبع: پردازش براساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.

ویژگی‌های جمعیتی مهاجران وارد شده از استان آذربایجان شرقی به استان تهران

بر اساس داده‌های ۲۰ درصد سرشماری ۱۳۸۵، مبدأ ۶۵ درصد مهاجران نقاط شهری استان آذربایجان شرقی و مقصد ۸۶ درصد نقاط شهری استان تهران است. با توجه به روستا و شهر بودن مبدأ و مقصد مهاجران، نوع مهاجرت ۵۸ درصد شهر به شهر، ۲۸ درصد روستا به شهر، ۸ درصد شهر به روستا و ۶ درصد روستا به روستا است. نسبت جنسی مهاجران (۱۱۳) نه رقم بیشتر از متوسط کشوری بدست آمده است که نشان دهنده غلبه مردان در جریان‌های مهاجرتی است. میانگین سنی مهاجران در زمان مهاجرت (۲۳ سال) نزدیک پنج سال کوچکتر از میانگین کشوری است که بیشتر در دامنه سنی ۲۹-۲۰ سالگی در معرض رفتار مهاجرتی قرار گرفته‌اند. حدود ۱۶ درصد مهاجران بی‌سواد بوده و بالای ۵۰ درصد آنان دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی هستند. ۵۳ درصد آنان غیرفعال بوده که بیشترشان خانه‌دار و محصل هستند. از مهاجران فعال، حدود ۲ درصد بیکار بوده و مشاغل صنعت‌گری، خدماتی و فروشندگی، کارگری و رانندگی به ترتیب بیشترین شغل مهاجران را شامل می‌شود.

جدول ۴. ویژگی‌های جمعیتی مهاجران از استان آذربایجان شرقی به استان تهران - ۱۳۸۵

متغیرها	جنس (درصد) مرد	تعداد	سن در مهاجرت (درصد)										تحصیلات (درصد)						شغل (درصد)					
			≤۱۴	۱۵-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	۵۰+	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	دانشگاهی	سایر	نظامی	مقامات عالی‌رتبه	مختص و تکسین	کارمند اداری	کار خدماتی و فروشنده	صنعتگر	راننده	کارگر ساده	سایر و بی مرتبط	بیکار
کل افراد	۵۳/۱	۲۴۷۰۰	۲/۱۰	۱۵/۳	۳۳/۳	۱۱/۹	۵/۰	۶/۵	۱۵/۵	۳۰/۵	۲۱/۵	۲۲/۰	۸/۵	۲/۰	۰/۷	۰/۶	۴/۴	۲/۱	۵/۹	۱۴/۶	۴/۶	۴/۸	۶۲/۰	۲/۲
سرپرست‌ها	۹۵/۷	۶۷۴۴	۰/۹	۴/۷	۴۶/۹	۲۴/۹	۱۰/۲	۱۲/۳	۱۴/۸	۳۱/۸	۲۲/۲	۱۷/۴	۱۲/۲	۱/۵	۲/۰	۱/۶	۹/۲	۳/۶	۱۳/۵	۳۱/۵	۱۰/۳	۱۳/۵	۱۱/۵	۳/۲

منبع: داده‌های ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

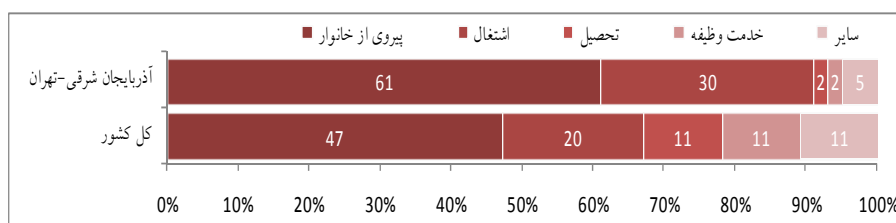
از لحاظ بستگی مهاجر با سرپرست خانوار، ۲۹ درصد سرپرست خانوار، ۲۹ درصد همسر، ۳۶ درصد فرزند و ۶ درصد بقیه را پدر و مادر، خواهر و برادر و سایر خویشاوندان نسبی و سببی شامل می‌شود. با توجه به نقش تعیین کننده سرپرست خانوار در علل و عوامل مهاجرت، در جدول ۴ به برخی از ویژگی‌های جمعیتی مهاجران سرپرست خانوار نیز اشاره شده است. ملاحظه می‌شود حدود ۹۶ درصد سرپرست خانوارها را مردها تشکیل داده و با میانگین سنی ۳۲/۵ سال بیشتر سرپرست خانوارها در دامنه سنی ۲۹-۲۰ قرار دارند. وضعیت بیکاری مهاجران سرپرست خانوار نیز نسبت به سطح کشوری حدود ۱۰ درصد پایین تر است، که این نشان از غلبه انگیزه اقتصادی جهت مهاجرت سرپرست‌های خانوار است. نزدیک یک سوم

شاغلان سرپرست خانوار صنعت گر هستند و شغل های کارگری، خدماتی و فروشنده و رانندگی در مرتبه بعدی قرار می گیرند.

علل مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران در دوره ۸۵-۱۳۷۵

جهت طبقه بندی "مهاجران وارد شده برحسب علت مهاجرت" در پرسشنامه سرشماری نه گزینه: جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی، تحصیل، پایان تحصیل، انجام خدمت وظیفه، پایان خدمت وظیفه، پیروی از خانوار و سایر در نظر گرفته شده است. توزیع نسبی مهاجران در طبقه های علل مهاجرت بسیار متفاوت است. بیشتر افراد در طبقه پیروی از خانوار قرار گرفته شده و بعد از آن علل مربوط به اشتغال (جستجوی کار و کار بهتر و انتقال شغلی) بیشترین درصد را دارد. در مقابل، علل مربوط به تحصیل و پایان تحصیل و نیز انجام و پایان خدمت وظیفه، درصد ناچیزی را شامل می شوند. مقایسه این ارقام با درصدهای به دست آمده از سرشماری ۱۳۸۵ برای مهاجران کل کشور (قاسمی اردهائی و حسینی راد، ۱۳۸۸) نتایج کاملاً متفاوتی به دست می دهد. برای کل کشور، علل مربوط به تحصیل و خدمت وظیفه درصد بسیار بیشتر، و در علل مربوط به اشتغال و پیروی از خانوار، درصد بسیار پایین تری از درصدهای نوع مهاجرت مورد بررسی در این مقاله به دست می آید.

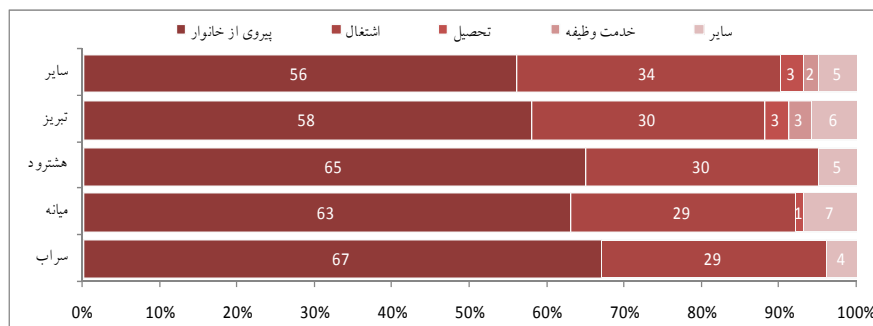
نمودار ۱. توزیع نسبی علل مهاجرت برای مهاجران کل کشور و مهاجران از آذربایجان شرقی به استان تهران-۱۳۸۵



منبع: ترسیم بر اساس داده های کل و ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

از نکات قابل توجه این است که علل مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران برحسب شهرستان مبدأ، توزیع نسبی کاملاً متفاوتی دارد. نمودار ۲ نشان می دهد در سه شهرستان سراب، میانه و هشترود، درصد به دست آمده برای مقوله "پیروی از خانوار" بسیار بیشتر از سایر شهرستان های استان آذربایجان شرقی است. در حالی که در زمینه "اشتغال"، درصد به دست آمده برای سه شهرستان منتخب همانند شهرستان تبریز پایین تر از سایر شهرستان های استان است. همبستگی آماری بین شهرستان مبدأ و علت مهاجرت از طریق نتایج آزمون ضریب وابستگی (CC) مورد تأیید قرار گرفته است.

نمودار ۲. توزیع نسبی علل مهاجرت برای مهاجران از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به استان تهران- ۱۳۸۵



CC (Contingency Coefficient) = 0.21 P < 0.001

منبع: ترسیم بر اساس داده‌های ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

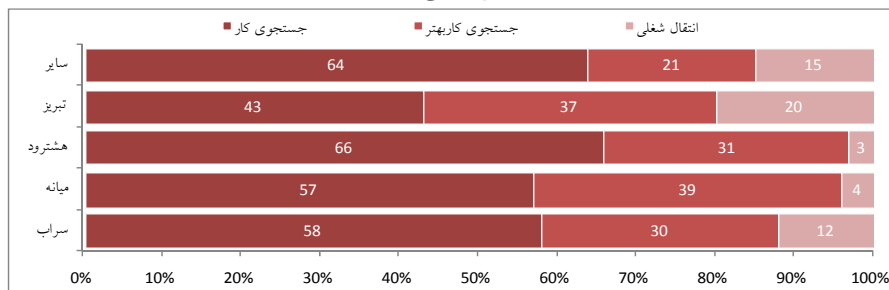
اشتغال که علت ۳۰ درصد کل مهاجرت‌ها و ۸۰ درصد مهاجرت سرپرست‌های خانوار از آذربایجان شرقی به استان تهران را شامل می‌شود، مقوله‌های آن درصدهای متفاوتی را در سطح شهرستان‌های مبدأ به خود اختصاص می‌دهد. مهاجران سرپرست خانوار در زمینه "جستجوی کار" از شهرستان هشترود، در "جستجوی کار بهتر" از شهرستان میانه و در "انتقال شغلی" از شهرستان تبریز بیشترین درصد از مهاجرت‌های کاری را دارند. این انگیزه‌های مهاجرت کاری از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی را می‌توان با پیوند به سطح توسعه یافتگی آنها (جدول ۵) تحلیل نمود. به‌طوری‌که در شهرستان‌های (مناطق) محروم پیدا کردن کار (شغل اولیه) به‌عنوان انگیزه خارج شدن از زادگاه مهم است و در مناطق نیمه برخوردار و برخوردار، انگیزه‌های پیدا کردن کار بهتر و انتقال شغلی اهمیت پیدا می‌کند.

جدول ۵. وضعیت کلی سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان تهران و آذربایجان شرقی در دوره ۸۵-۱۳۷۵

سطح توسعه یافتگی	شهرستان‌های استان تهران	شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی
برخوردار	تهران	تبریز
نیمه برخوردار	شهریار، اسلام‌شهر، رباط‌کریم	شبه‌سبز، جلفا، میانه، مراغه، مرند
محروم	ری، ورامین، پاکدشت	سراب، آذرشهر، اهر، کلیبر، هشترود، بستان‌آباد، عجب‌شیر

منبع: استنباط از زیادی و همکاران، ۱۳۸۹؛ محمودی، ۱۳۸۸؛ قنبری هفت‌چشمه و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۴.

نمودار ۳. توزیع نسبی اشتغال سرپرست خانوار به عنوان علت مهاجرت به تفکیک شهرستان‌های آذربایجان شرقی - ۱۳۸۵

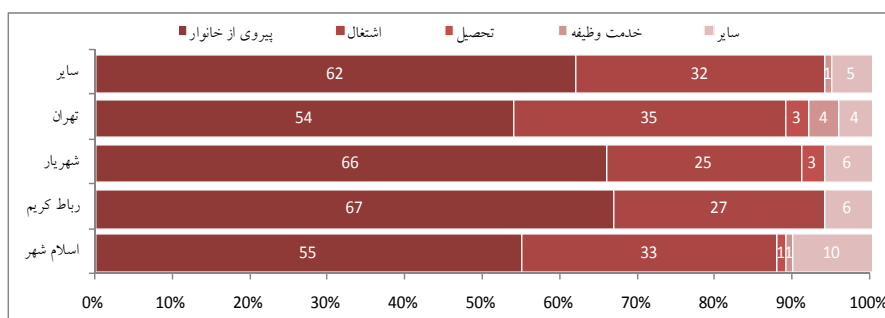


Cramer's V = 0.24 P < 0.001

منبع: ترسیم بر اساس داده‌های ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

نکته: در اینجا فقط شهرستان‌هایی که در نمونه آماری هستند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. انتخاب شهرستان‌های مقصد در استان تهران توسط مهاجران از استان آذربایجان شرقی، الگوهای علت مهاجرت معنی‌داری (نمودار ۴) دارد. شهرستان‌های رباط کریم و شهریار در مهاجرت‌های تبعی (پیروی از خانوار) و اسلام‌شهر و تهران در مهاجرت‌های کاری درصد بیشتری را نسبت به سایر شهرستان‌های استان تهران دارند. خدمت وظیفه و تحصیل نیز درصد بسیار ناچیزی را در برخی شهرستان‌های استان تهران (با درصد بیشتر در شهرستان تهران) به خود اختصاص داده‌اند.

نمودار ۴. توزیع نسبی علل مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به تفکیک شهرستان‌های مقصد در استان تهران - ۱۳۸۵



Contingency Coefficient = 0.20 P < 0.001

منبع: ترسیم بر اساس داده‌های ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

بعد از مهاجرت تبعی، مهمترین ویژگی جریان مهاجرت از آذربایجان شرقی به استان تهران نسبت به کل جریان‌های مهاجرت داخل کشور، غلبه مهاجرت کاری است. نتیجه تحلیل چند متغیره مقدماتی نشان می‌دهد متغیر "بستگی با سرپرست خانوار" مهمترین تعیین کننده وضع مهاجرت‌های تبعی و کاری است. بر اساس نتایج رگرسیون لجستیک، متغیرهای مستقل؛

جنس، سن در زمان مهاجرت، تحصیلات، بستگی با سرپرست خانوار، محل اقامت قبل از مهاجرت، شهرستان مبدأ، سطح توسعه یافتگی مبدأ، شهرستان مقصد، سطح توسعه یافتگی مقصد، حدود ۸۰ درصد نوع مهاجرت افراد ("اشتغال" و "پیروی از خانوار") را تبیین می‌کنند که در این بین متغیر "بستگی با سرپرست خانوار" با سهم ۷۳ درصدی نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در تبیین نوع مهاجرت‌های صورت گرفته ایفا می‌کند. جدول ۶ این بستگی بسیار قوی نوع مهاجرت به وضع سرپرست خانوار ($\Phi = 0.83$) را نشان می‌دهد.

جدول ۶. توزیع نسبی مهاجران برحسب علت مهاجرت و به تفکیک وضع سرپرستی خانوار - ۱۳۸۵

علت مهاجرت	وضع سرپرستی خانوار		کل (تعداد)
	سرپرست (درصد)	غیرسرپرست (درصد)	
اشتغال	۹۳/۷	۸/۵	۶۵۸۹
پیروی از خانوار	۷/۳	۹۱/۵	۱۴۷۸۶
کل (تعداد)	۵۸۰۵	۱۵۵۷۰	۲۱۳۷۵
	$P < 0.001$	$\Phi = 0.83$	

منبع: داده‌های ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

باتوجه به روابط و نتایج به دست آمده از آزمون‌های دو متغیره و چند متغیره، در ادامه سعی می‌گردد تا تبیین کننده‌های مهاجرت‌های کاری در گروه "سرپرست خانوار" مورد بررسی قرار گیرد.

مهاجرت‌های کاری سرپرست‌های خانوار از استان آذربایجان شرقی به استان تهران

باتوجه به کای اسکور مدل‌های پنج‌گانه، تأثیر متغیرهای مستقل وارد شده در هر یک از مدل‌ها و ارتباط آنها با نوع مهاجرت (اشتغال = ۱/ پیروی از خانوار = ۰) در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد متغیر جنس با بهبود کای اسکور برابر ۲۰۸ و متغیرهای تحصیلات، شهرستان مقصد، شهرستان مبدأ و سطح توسعه یافتگی شهرستان مبدأ به ترتیب با بهبود کای اسکور برابر با ۵۷، ۶۵، ۳۲ و ۱۶ وارد معادله شده‌اند. ارقام مربوط به نسبت (لگاریتم) درست نمایی نشان می‌دهد در هر مدل نسبت به مدل قبل و با ورود متغیرهای مستقل بعدی، بهبودی حاصل شده است. به طوری که مقدار آن در مدل اول برابر ۲۳۵۱ است و در مدل آخری به ۲۱۸۱ کاهش یافته است. افزایش تدریجی مقدار کای اسکور و کاهش نسبت درست نمایی در مدل‌های رگرسیون، نشان دهنده برازش مدل پنجم نسبت به چهار مدل دیگر است.

درصد درستی^۱ مدل‌ها نشان می‌دهد رگرسیون لجستیک تا چه حدی توانسته است مهاجران سرپرست خانوار را از لحاظ نوع مهاجرت به درستی از هم تفکیک نماید. در مدل اول ۹۳/۴ درصد از مهاجران سرپرست خانوار که به خاطر اشتغال مهاجرت کرده‌اند از سرپرست

1. Percentage Correct

خانوارهایی که به‌خاطر پیروی از خانوار مهاجرت کرده‌اند، به‌درستی از هم تفکیک شده است. درصد درستی در مدل‌های بعدی بهبود یافته و در مدل پنجم به ۹۳/۹ درصد رسیده است. مقدار آماره "ضریب تعیین ناگل کرک"^۱ به‌عنوان معادل ضریب تعیین در رگرسیون خطی، در مدل اول برابر با ۰/۱۲ است که از هر مدل به مدل بعدی بر مقدار آن افزوده شده و نهایتاً در مدل پنجم به ۰/۲۶ افزایش یافته است. با توجه به نتایج آماره والد^۲ (جهت نشان دادن معنی‌داری) و نسبت بخت‌ها^۳ (جهت نشان دادن میزان تأثیر)، به میزان و اولویت اثرگذاری متغیرهای مستقل بر مهاجرت کاری سرپرست خانوارها و نیز تفاوت این نوع مهاجرت در بین طبقات متغیرهای مستقل پرداخته می‌شود.

در مدل اول، متغیر جنس به‌عنوان تنها متغیر مستقل وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به‌تنهایی ۱۲ درصد از تغییرات متغیر نوع مهاجرت را تبیین می‌کند. نسبت‌های بخت متغیر جنس نشان می‌دهد احتمال مهاجرت به‌خاطر اشتغال (جستجوی کار، جستجوی کار بهتر و انتقال شغلی) برای مردان مهاجر سرپرست خانوار خیلی بیشتر از همتهای زن است. در مدل اول، مهاجرت به‌خاطر اشتغال برای زنان سرپرست خانوار نزدیک ۹۴ درصد پایین‌تر از مردان به‌دست آمده است.

متغیر بعدی که در تبیین نوع مهاجرت مؤثر است، سطح تحصیلات سرپرست خانوارهاست. این متغیر بعد از جنس، ۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. نتایج مدل دوم نشان می‌دهد مهاجران سرپرست خانواری که تحصیلات ابتدایی دارند نزدیک دو برابر و آنهایی که تحصیلات راهنمایی و متوسطه دارند نزدیک سه برابر نسبت به بی‌سوادها به‌خاطر کار مهاجرت کرده‌اند. نکته قابل توجه، همسانی اهمیت مهاجرت به‌خاطر کار در بین تحصیل کرده‌های دانشگاهی و بی‌سوادهاست. البته این عدم معنی‌داری با وارد شدن متغیر شهرستان مقصد مهاجرت به معادله رگرسیون (مدل سوم) معنی‌دار شده و نشان می‌دهد مهاجرت به‌خاطر اشتغال در میان سرپرست‌هایی که تحصیلات دانشگاهی دارند نسبت به سرپرست‌های بی‌سواد حدود ۷۰ درصد بیشتر است. برای سرپرست‌های دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطه این نسبت بخت‌ها به‌مراتب بیشتر از مدل دوم به‌دست می‌آید. متغیر شهرستان مقصد که در این مرحله به مدل اضافه شده است، چهار درصد ضریب تعیین ناگل کرک را افزایش می‌دهد. احتمال مهاجرت سرپرست‌های خانوار به‌خاطر اشتغال از آذربایجان شرقی به شهرستان‌های تهران، شهریار و اسلام‌شهر حدود ۸۰ درصد و شهرستان رباط‌کریم حدود ۵۰ درصد پایین‌تر از شهرستان‌های پاکدشت، ری و ورامین است. بنابراین، شهرستان‌های پاکدشت،

1. Nagelkerke R Square

2. Wald

3. Odds Ratio (Exp(B))

ری و ورامین برای انگیزه‌های کاری (جستجوی کار، جستجوی کار بهتر و انتقال شغلی) بیشتر مورد توجه سرپرست‌های خانوار استان آذربایجان شرقی است.

در کنار متغیرهای اشاره شده، متغیرهای مرتبط با شهرستان مبدأ مهاجران نیز نقشی تعیین کننده در جهت دادن به نوع مهاجرت‌های صورت گرفته از استان آذربایجان شرقی به استان تهران دارند. در مدل چهارم متغیر شهرستان مبدأ و در مدل پنجم متغیر سطح توسعه‌یافتگی مبدأ به مدل نهایی اضافه شده‌اند. این دو متغیر روی هم ۵ درصد تغییرات علت مهاجرت (کاری/ تبعی) سرپرست خانوارها را تبیین می‌کنند. مطابق با نتایج مدل پنجم، احتمال مهاجرت سرپرست خانوارها از شهرستان‌های سراب و هشترود به‌خاطر اشتغال نزدیک ۷۵ درصد پایین‌تر از سایر شهرستان‌های آذربایجان شرقی (آذرشهر، اهر، بستان‌آباد، تبریز، جلفا، شبستر، عجب‌شیر، کلیبر، مراغه و مرند) است. در این میان، وضعیت مهاجران از شهرستان میانه شبیه سایر شهرستان‌های مورد بررسی است. ارقام مربوط به سطوح توسعه مبدأ نشان می‌دهد مهاجران از مناطق محروم آذربایجان شرقی نسبت به مناطق برخوردار (و نیز نیمه برخوردار)، احتمال اینکه به‌خاطر اشتغال مهاجرت کرده باشند سه برابر بیشتر است.

جدول ۷. پیش‌بینی کننده‌های احتمال مهاجرت کاری سرپرست‌های خانوار از آذربایجان شرقی به استان تهران - ۱۳۸۵

متغیرها	مقوله‌ها	نسبت بخت‌ها (Exp(B))				
		مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
مقدار ثابت		۱۷/۵**	۹/۶**	۲۵/۹**	۴۲/۳**	۶۸/۸**
جنس	مرد (مرجع)	۰/۰۶۳**	۰/۰۹۹**	۰/۰۸۱**	۰/۰۷۸**	۰/۰۷۹**
	زن					
تحصیلات	بی‌سواد (مرجع)					
	ابتدایی	۲/۱**	۲/۸**	۲/۸**	۲/۹**	۳/۰**
	راهنمایی و متوسطه	۲/۸**	۳/۸**	۳/۸**	۳/۹**	۳/۹**
	دانشگاهی	۰/۹۲	۱/۷**	۱/۹**	۲/۰**	۲/۰**
شهرستان مقصد	سایر شهرستان‌ها (مرجع)					
	تهران	۰/۲۱**	۰/۲۱**	۰/۱۷**	۰/۱۸**	۰/۱۸**
	شهریار	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۱**	۰/۲۲**	۰/۲۲**
	اسلام‌شهر	۰/۱۳**	۰/۱۳**	۰/۱۳**	۰/۱۳**	۰/۱۳**
	ریاط‌کریم	۰/۵*	۰/۵*	۰/۵۳*	۰/۵۳*	۰/۵۳*
شهرستان مبدأ	سایر شهرستان‌ها (مرجع)					
	سراب				۰/۵**	۰/۲۲**
	میانه				۱/۶*	۱/۶*
	هشترود				۰/۶*	۰/۲۸**
سطح توسعه‌یافتگی مبدأ	برخوردار (مرجع)					
	نیمه برخوردار					۱/۲
	محروم					۲/۸**
Chi-square		۲۰۸**	۲۶۵**	۳۳۰**	۳۶۲**	۳۷۸**
-2 log likelihood		۲۳۵۱	۲۲۹۵	۲۲۳۰	۲۱۹۸	۲۱۸۱
Nagelkerke R Square		۰/۱۲	۰/۱۷	۰/۲۱	۰/۲۴	۰/۲۶
Percentage Correct		۹۳/۴	۹۳/۹	۹۳/۶	۹۳/۹	۹۳/۹

** معنی‌داری در سطح $P < ۰/۰۰۱$. * معنی‌داری در سطح $P < ۰/۰۵$.

منبع: داده‌های ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

ملاحظه می‌شود متغیرهای جمعیت‌شناختی جنس و تحصیلات با ضریب تعیین ۱۷ درصد بیشتر از متغیرهای ساختاری شهرستان مقصد، شهرستان مبدأ و سطح توسعه‌یافتگی مبدأ (با ضریب تعیین ۹ درصد) در تعیین نمودن مهاجرت سرپرست‌های خانوار به‌خاطر اشتغال از استان آذربایجان شرقی به استان تهران نقش دارند. با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل تعریف شده برای معادله رگرسیون لجستیک، متغیرهای سن در زمان مهاجرت، روستا و شهر بودن مبدأ و سطح توسعه‌یافتگی مقصد وارد مدل نهایی نشده‌اند. این امر نشان می‌دهد این متغیرها نقش چندانی در مشخص نمودن نوع مهاجرت سرپرست خانوارها ندارند.

نتیجه‌گیری

کشور ایران با دارا بودن تنوع‌های فرهنگی و اقلیمی، از تنوع و تفاوت‌های توسعه‌ای نیز برخوردار است. از جمله نتایج این تنوعات زیستی-اجتماعی می‌توان به مهاجرت‌های انبوه بین استانی اشاره کرد که بر اساس نتایج مستند از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ الی ۱۳۸۵، مهاجرت از استان آذربایجان شرقی (آذربایجان سابق) به استان تهران (مرکزی سابق) مهمترین جریان مهاجرت بین استانی در ایران است. تحلیل جریان‌های مهاجرت در مقیاس جمعیت شهرستان‌های دو استان مذکور نشان می‌دهد در طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ شهرستان‌های هشت‌رود، سراب و میانه از لحاظ مهاجرت‌فرستی به استان تهران و شهرستان‌های رباط کریم، شهریار و اسلام‌شهر از لحاظ مهاجرت‌پذیری از استان آذربایجان شرقی، شهرستان‌های مهم و تعیین‌کننده هستند.

مطالعه علل مهاجرت از آذربایجان شرقی به استان تهران و مقایسه آن با سطح و میانگین کشور نشان می‌دهد مهاجران اکثراً به‌دلیل پیروی از خانوار و اشتغال دست به این جابجایی مکانی زده‌اند. برای سرپرست‌های خانوار عامل اشتغال (جستجوی کار، جستجوی کار بهتر و انتقال شغلی) مهمترین دلیل مهاجرت است و برای غیرسرپرست‌های خانوار نیز مهاجرت بیشتر دلیل تبعی (پیروی از خانوار) دارد. بنابراین، قسمتی از مهاجرت‌های صورت گرفته از استان آذربایجان شرقی به استان تهران مهاجرت‌های کاری است. برای مهاجرت‌های کاری، عامل‌های جاذبه و دافعه از جمله تفاوت در دستمزد و شرایط استخدامی بین مناطق مبدأ و مقصد، توسط برخی از محققین حوزه اقتصاد مهاجرت (رانیس و فی^۱، ۱۹۶۱؛ ساستاد، ۱۹۶۲؛ تودارو، ۱۹۶۹؛ هریس و تودارو، ۱۹۷۰؛ تودارو و ماریسکو^۲، ۱۹۸۷) تأکید شده است.

مهاجران کاری به‌دلیل استقلال در تصمیم‌گیری مهاجرت و نیز سرپرست خانوار بودن می‌توانند مهم تلقی شوند. تحلیل داده‌های سرشماری نشان داد بالای ۹۰ درصد سرپرست خانوارها اقدام به مهاجرت‌های کاری کرده‌اند. سرپرست‌های خانوار که در تأمین اقتصاد

1. Ranis and Fei
2. Maruszko

معیشتی خانوار و نیز مدیریت کلان خانوار نقش تعیین کننده‌ای دارند. صنعت‌گری بیشترین شغل رایج در بین مهاجران سرپرست خانوار بوده و همراه با مشاغل رانندگی، کار خدماتی و فروشندگی بالای ۵۰ درصد شغل مهاجران سرپرست خانوار را شامل می‌شود. جهت تأمین مایحتاج زندگی و استقلال مالی خانوار، بالای ۹۵ درصد مهاجران سرپرست خانوار مرد بوده و در بین کل سرپرست‌های خانوار این مردها هستند که نسبت به زنان بیشتر اقدام به مهاجرت‌های کاری کرده‌اند. با وجود اینکه حدود یک ششم مهاجران از آذربایجان شرقی به استان تهران بی‌سواد هستند، مهاجرت کاری در بین افراد تحصیل کرده بیشتر از افراد بی‌سواد است. در جریان مهاجرت‌های کاری، مهاجران از مناطق محروم شهرستان‌های آذرشهر، اهر، بستان‌آباد، تبریز، جلفا، شبستر، عجب‌شیر، مراغه، مرنده و میانه بیشتر وارد شهرستان‌های پاکدشت، ری و ورامین شده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌شود در مهاجرت‌های کاری گزینش‌هایی از لحاظ سرپرست خانوار بودن، مرد بودن، مبدأ و سطح توسعه یافتگی آن و نیز مقصد مهاجرتی صورت گرفته است. همچنین باید توجه داشت که در پیش‌بینی احتمال وقوع مهاجرت‌های کاری از آذربایجان شرقی به مقصد استان تهران، متغیرهای جمعیتی (ویژگی‌های سطوح فردی) جنس و سطوح تحصیلی مهم‌تر و تعیین کننده‌تر از متغیرهای سطح شهرستانی (شهرستان مقصد، شهرستان مبدأ و سطح توسعه مبدأ) هستند. بنابراین، سطوح تحلیلی خرد نظریه اقتصاد نوکلاسیک مهاجرت را بهتر است درون سطوح تحلیلی کلان مرتبط با شهرستان‌ها مورد بررسی قرار داد.

منابع

- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). "مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه"، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). "مهاجرت"، تهران: انتشارات سمت.
- زیادی، کرامت‌اله و همکاران (۱۳۸۹). "سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به روش HDI"، مجله فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۷۵-۹۵.
- فخاری، علی و همکاران (۱۳۸۸). "نقش پیامدهای اجتماعی و بهداشتی مهاجرت در اقدام به خودکشی مهاجرین حاشیه‌نشین تبریز: مطالعه‌ای اکتشافی در چارچوب گراند تئوری"، مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دوره ۳۱، شماره ۲، صص ۶۵-۷۲.
- قاسمی اردهائی، علی و علی حسینی راد (۱۳۸۸). "ویژگی‌های منتخب مهاجران داخلی ایران طی دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵"، گزیده مطالب آماری، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۱۹۳-۲۱۰.

قرخلو، مهدی و کیومرث حبیبی (۱۳۸۵). "تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، صص ۵۹-۸۳.

قنبری هفت‌چشمه، ابوالفضل و کریم حسین‌زاده دلیر (۱۳۸۴). "تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۵)"، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۵، صص ۱-۲۲.

محمدی کرکانکی، قربانعلی (۱۳۷۶). "مهاجرت مهمترین مشکل استان تهران"، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۲، صص ۳۹-۵۹.

محمودی، محمدجواد (۱۳۸۸). "محاسبه شاخص توسعه انسانی کشور، استان تهران و شهرستان‌های آن"، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷ و ۶۸، صص ۸۱-۱۱۸.

مرکز آمار ایران (۱۳۶۵-۹۰). "نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰".

مرکز آمار ایران، داده‌های نمونه‌ای ۲۰ درصد سرشماری ۱۳۸۵.

مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۹۰). "اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷"، تهران: خانه کتاب.

Cadwallader, M. (1992). "Migration and Residential Mobility: Macro and Micro Approaches". University of Wisconsin Press, Madison.

Harris, J.R. and M.P. Todaro (1970). "Migration, Unemployment, and Development: A Two Sector Analysis." *American Economic Review*, 60: 126-142.

Jobs, P. (2000). *Moving Nearer to Heaven: The Illusions and Disillusions of Migrants to Scenic Rural Places*. Praeger, Westport, CT.

Massey, D.S. (1990). "Social Structure, Household Strategies, and the Cumulative Causation of Migration", *Population Index*, 56: 3-26.

McCatty, M. (2004). *The Process of Rural-Urban Migration in Developing Countries*. An Honours essay submitted to Carleton University in fulfillment of requirements for the course ECON 4908, as credit toward the degree of Bachelor of Arts with Honours in Economics. Carleton University, Ottawa, Ontario.

Pessino, C. (1991). "Sequential Rom Peru Migration Theory and Evidence" *Development Economics*, 36: 55-87.

Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of the American Community*. New York.

Ranis, G. and J.C. Fei (1961). "A Theory of Economic Development" *American Economic Review*, 51: 533-565.

- Sjaastad, L.A. (1962). "The Costs and Returns of Human Migration" *The Journal of Political Economy*, 70(5): 80-93.
- Todaro, M. P., and L. Maruszko (1987). "Illegal Migration and US Immigration Reform: A Conceptual Framework", *Population and Development Review*, 13: 101-114.
- Todaro, M.P. (1969). "A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries", *American Economic Review*, 59: 138-148.
- Todaro, P.M. (1971). "Income Expectations, Rural-Urban Migration and Employment in Africa." *International Labor Review*, 104 (5): 12-24.